



به یاد و در سوکِ دکتر حسین فاطمی

ای سرورِ آزادگان ، یادت گرامی باد

منیر طه

وقتی که آن ابله به اعدامِ تو فرمان داد ،
وقتی هزاران جان کنارِ جانِ تو جان داد ،
وقتی سرودِ « زنده بادت » بر لبِ ت غلتید ، *
خونِ خواهیّت را ای به خونِ آغشته ، فرمان داد

نامِ بلندت اینچنین وردِ زبانِ ها شد
راه و روندت رهنمایِ رفتنِ ما شد
دیدِ چسان در دام ، خودگسترده ، درافتاد ؟
دیدِ که آن بیمایه ابله چه رسوا شد ؟

امروز چون دیروز باز از هولِ جان بگریخت
امروز چون دیروز در بیگانگان آویخت
بارِ دگر این بی‌خرد با خفت و خواری
آن ابروی رفته را بر رویِ نامش ریخت

آخر به دامان که ریزم اشک این غم را
آخر کرا گویم غمِ این درد و ماتم را
آوخ که می‌سوزد هنوز آن خانه در بیداد
شادا که رفتی و ندیدی این جهنم را

هرگز مپنداری که یادت می‌رود از یاد
هرگز مپنداری که خاموش است این فریاد
آزادگی با یادِ هر آزاده ، می‌بالد
ای سرورِ آزادگان ، یادت گرامی باد

* « پاینده ایران، زنده باد دکتر مصدق » آخرین کلامش در کشتارگاه .

